

بررسی و مقایسه رضایتمندی از زندگی در میان مادران کودکان عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا و عادی

دکتر شهلا البرزی: دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی - دانشگاه شیراز

دیبا سیف: دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی

نادره سهرابی: کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی

خلاصه مقاله

بررسی مسایل و مشکلات خانواده هایی که دارای کودک استثنائی اند از موضوعات مورد نظر متخصصان استثنائی و تعلیم و تربیت بوده است. هدف از این پژوهش، بررسی رضایتمندی از زندگی در میان مادران کودکان عقب مانده ذهنی، ناشنوا، نابینا و مقایسه آن با مادران کودکان عادی بود. بدین منظور گروهی ۲۳۵ نفری از مادران (۴۶ مادر کودک عقب مانده ذهنی، ۴۷ مادر کودک ناشنوا، ۷۰ مادر کودک نابینا که فرزندانشان در مراکز استثنائی شهر شیراز مشغول به تحصیل بودند) و ۷۲ مادر کودک بهنجار آزمودنیهای این تحقیق را تشکیل دادند. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه رضایتمندی زندگی استفاده به عمل آمد. روائی محتوای پرسشنامه از طریق بررسی آن بوسیله نظر متخصصان و ثبات درونی آن بوسیله محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/89$) کسب گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آماری در صد گیری، واریانس، آزمون توکی و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

تحلیل واریانس یکطرفه بین چهار گروه نشان داد که تفاوت معنی داری بین میزان رضایتمندی از زندگی مادران کودکان عقب مانده ذهنی، ناشنوا، نابینا و بهنجار وجود دارد ($P < 0/0003$). آزمون تعقیبی توکی نشان داد که در میان مادران سه گروه عقب مانده ذهنی، ناشنوا، و نابینا تفاوت معنی داری از لحاظ میزان رضایتمندی از زندگی وجود ندارد. حال آنکه رضایتمندی از زندگی در هر یک از این سه گروه با گروه مادران کودکان بهنجار تفاوت معنی داری را نشان می دهد. نمره رضایتمندی مادران از زندگی با استفاده از رگرسیون چند متغیره روی متغیرهای جنسیت، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، شغل مادر، شغل پدر و استثنائی بودن یا استثنائی نبودن کودک نشان از آن داشت که متغیر اخیر (استثنائی بودن یا نبودن کودک) قویترین عامل پیش بینی کننده برای رضایتمندی مادران از زندگی است ($P < 0/00001$). از ۴ تحلیل واریانس سه طرفه به منظور بررسی تعامل میان جنسیت و نوع معلولیت کودک و هر یک از متغیرهای تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر و شغل مادر استفاده شد. نتایج حاصل حاکی از آن بود که تعامل معنی داری بین جنسیت کودک، نوع معلولیت کودک و میزان تحصیلات پدر برای رضایتمندی مادران از زندگی وجود دارد ($P < 0/001$). تحلیل های واریانس دو طرفه بین جنسیت و تحصیلات پدر در هر یک از گروههای مادران کودکان عقب مانده ذهنی، ناشنوا، نابینا و عادی برای رضایتمندی مادران از زندگی صورت گرفت و نتایج حاکی از آن بود که در گروه مادران کودکان عقب مانده ذهنی تعاملی معنی دار بین جنسیت و تحصیلات پدر روی رضایتمندی مادران از زندگی وجود دارد ($P < 0/03$). همچنین در گروه کودکان عادی تعامل مزبور روی رضایتمندی مادران از زندگی معنی دار است. ($P < 0/01$).

بسمه تعالی

The First Seminar on Research

Findings in Special Education

20-21 May; 2001

Fars Special Education Supervision-Shiraz University



نخستین همایش یافته های نوین پژوهشی

در آموزش و پرورش استثنائی

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰

آموزش و پرورش استثنائی فارس - دانشگاه شیراز

بررسی و مقایسه رضایتمندی از زندگی در میان مادران کودکان عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا و عادی

دکتر شهلا البرزی: دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی - دانشگاه شیراز

دیبا سیف: دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی

نادره سهرابی: کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی

بطور خلاصه نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که عامل استثنائی بودن کودک قویاً و بطور منفی بر میزان رضایتمندی مادر از زندگی تأثیر می گذارد و نیز در گروههای عقب مانده ذهنی و بهنجار تأثیر جنسیت کودک بر رضایتمندی مادران از زندگی با توجه به میزان تحصیلات پدر تعیین می گردد. این نتایج با توجه به یافته های تحقیقات پیشین مورد بحث قرار گرفت.